

# روابط ایران و هلند

## در زمان صفویه

(مستند به اسناد آرشیوی)

### II

بطوریکه در مقاله پیش  
دیدیم (شماره ۴ ، سال پنجم) ،  
ژان اسمیت بنا بتقاضای شاه  
عباس کبیر از طرف مجلس  
طبقاتی و فرمانروای باتاویا  
به سفارت ایران برگزیده شد  
و در تاریخ ۱۲مه ۱۶۲۹ میلادی  
(اواخر ۱۰۳۸ هـ . ق) به اتفاق  
موسی بیگ به اصفهان رسید و  
این درم‌رقعی بود که چهارماه  
از مرگ شاهنشاه ایران  
میگذشت.

دکتر خانبابا بیانی

(استاد تاریخ دانشگاه تهران)

منظور و هدف اصلی ژان-  
اسمیت از این مأموریت بنا  
بنوشته خود او باینقرار بود:  
«منظور اصلی از مأموریت من  
ابلاغ مراتب مودت و مناسبات  
دوستی بین دو کشور بود. با

1 — Dunlop (H). Histoire de la compagnie des Indes Orientales en Perse  
T.72 .p. 707-708.

اینکه اختیارات من بسیار محدود بود، معذالك ژان پیترز کوئن<sup>۲</sup> (فرمانروای باتاویا) دستور داده بود تا بکار مأمورین و مستخدمین کمپانی رسیدگی نموده وضع آنها را مورد بازرسی قرار دهد. دیگر اینکه دستور داشتیم وسایلی فراهم آوریم تا دولت ایران اجازه دهد بازرگانان هلندی بتوانند انواع کالاها را بدلتخواه خود وارد خاک ایران بنمایند، و ضمناً معاهده سال ۱۶۲۳ م (۱۰۳۳ هـ) که مدت آن منقضی شده بود مجدداً بتأیید دولت ایران و پادشاه جدید (شاه صفی) رسانده تجدید نمایم.»

«در باره اجرای دستور اخیر اقدامات بعملت مقاومت و مخالفت مخفیانه ویسنیش<sup>۳</sup> (مدیر شرکت بازرگانی هلند در اصفهان) و عزل والی فارس که از حامیان هلندیها بود و علاقه زیادی بعملیات بازرگانی ما در قلمرو حکومت خود داشت، به نتیجه مثبت نرسید.»

عزل غیرمنتظره والی فارس شکست بزرگی برای سیاست هلندیها در دربار شد زیرا اختلاف مولائی بیگ وزیر دربار و ویسنیش و فقدان پول و زیادی محصول فلز اجاره هیچگونه فعالیت و اقدامی را به هلندیها نمیداد. از همه مهمتر بی اطلاعی بزرگان و زعمای دربار به هدف و مقصود این سفارت بود؛ بطوریکه سرانجام به اسمیت متذکر شدند که مأموریت وی منحصر اربط با شخص والی فارس که پیوسته با هلندیها در ارتباط بوده است، دارد و حکومت مرکزی نمیتواند در این موضوع دخالت کرده اظهار نظر نماید و تصمیم بگیرد. مولائی بیگ که براستی با ویسنیش میانه خوبی نداشت و از وی متنفر بود تصمیم گرفت که بازرگانی هلندیها را متوقف سازد. رسیدن فصل گرما و ترس از خراب و ضایع شدن کالاها، هلندیها را وادار کرد که شکایت نزد سفیر برده از وی چاره فوری این کار دشوار را بخواهند. سفیر هم بلافاصله ضمن نامه هائی به اولیای امور دربار و بخصوص والی فارس تقاضا کرد نزد مولائی بیگ

2 — Jan Pretersz Coen.

3 — Visnich.

وساطت نمایند و او را وادار کنند که بسوء نیت خود خاتمه داده امتعه هلندیها را از توقیف خارج سازد.

فرمانروای باتاویا بنوبه خود نامه‌ای به ویسینش نوشت و بوی دستور داد برای تقلیل قیمت اجناس هلندی نزد دولت ایران به اقدامات مجددانه متوسل گردد. سرانجام مولائی بیک با زحمات زیاد و اقدامات مجددانه سفیر، حاضر شد از کالاهای هلندی رفع توقیف نماید.

اما راجع بدخالت نظامی هلندیها در خلیج فارس علیه پرتقالیها میتوانیم از گزارش ژان اسمیت چنین نتیجه بگیریم که دولت هلند از اقدام به این امر بدو دلیل امتناع ورزید:

۱ - بهره نبردن از جنگی که هیچگونه منفعتی از آن عاید نمیشد.

۲ - ضعف قدرت نیروی دریائی در هندوستان.

ژان اسمیت در بیان شرح مسافرت خود در این باره چنین می نویسد: «جای تردید نیست که شاه (عباس) از پرتقالیها فوق العاده دلخور و ناراحت است و منظور وی از فرستادن سفیر به هلند بیشتر برای آن بوده است که معاهده اتحادی علیه پرتقالیها امضاء شود تا بتواند در مرحله اول مسقط را از تصرف آنان خارج سازد.

«ژان پیترز کوئن بمنظور شاه و نیز ضعف قدرت ما در هندوستان در این زمان بخوبی آگاهی داشت و بهمین مناسبت بود که من را از امضای چنین قراردادی ممانعت کرد.»<sup>۴</sup>

سفیر هلند در هنگام مسافرت جنگی شاه صفی به بغداد در روز ۱۱ دسامبر ۱۶۲۹ (۱۰۳۹ هـ) بجانب شیراز عزیمت کرد، باین قصد که شاید بتواند بوسیله والی فارس از مأموریت خود نتیجه بگیرد ولی نبردن او در شیراز ویرا مچبور کرد که خاک ایران را ترك گفته به باتاویا مراجعت نماید (۱۴ ژوئن ۱۶۳۰ م = ۱۰۴۰ هـ ق) اسمیت در هنگام ترك اصفهان از طرف شاه حامل دو

نامه برای مجلس طبقاتی شد که متن یکی از آنها که از آرشیولاهه بدست نگارنده رسیده باینقرار است:<sup>۵</sup>

### هو الله سبحانه وتعالى

استبدال جندران<sup>۶</sup> جناب عزتمآب ایالت و جلالت نصاب حکومت و شوکت مآب عمدةالحکام الکرام عیسویه قدوة العظمای والوالاةالفرنگیه، ناظم امور دولت الندیسی<sup>۷</sup> کامل مهام ملت مسیحی، خلاصه نامداران فرنگ، صائب رأی با هوش و فرهنگ، مرزبان اعظم اکرم، فرمانده خدم و حشم، عالیمرتبت عدالت اتتماء، رفیعمرتبت، ملک آرا را بعد از ادای مراسم تعظیمات و انهای مراتب تکریمات و اظهار قواعد دوستی، مرفوع رأی صوابنامیگرداند که در این اوقات خجسته ساعات که سعادت و عزتمآب زبده الاعیان جان اسمند ایلچی<sup>۸</sup> ایشان همراه موسی بیک ایلچی اینجانب باینصوب آمده بسعادت بساطبوسی سرافراز شد و مکتوب میمنت اسلوب حضرت سلطنت و عظمت پناه پادشاه و الاجاه خورشید کلاه ولایت الندیسی و مکاتیب و مراسلات دوستانه آن جناب ایالت و شوکت مآب و سرداران و اعیان الندیسی که بخدمت نواب گیتی شأن فردوس مکانی بابای بزرگوارم<sup>۹</sup> نورمرقده نوشته بودند، بنظر همایون ما در آمده مضامین اخلاقی آئین صداقت تزئین آن و اظهار مسرت و شادمانی که از فرستادن موسی بیک ایلچی و تعظیم و تکریم سوداگران الندیسی در نامه های نامی درج نموده بودند نواختی خاطر نشان نواب همایون باشد و سعادت مآب جان اسمند ایلچی که مرد سخندانست و ایلچی ما نیز حقایق حالات و محبت و دوستی ایشانرا با این دودمان سلطنت آشیان بحسن تقریر ادا نمودند و باعث ازدیاد مواد محبت و دوستی بیش از پیش کردند و مانیز از آمدن ایلچی

5 — Archive des États-Généraux (la Haye). No. 8.

6 — États-Généraux.

۷- هلند

۸- ژان اسمیت

۹- شاه عباس کبیر .

ایشان و اظهار دوستی که نموده اند بسیار بسیار خوشحال شدیم و نسبت بمشارالیه آنچه لوازم حرمت و عزت و تعظیم و تکریم بود مبذول گشت. چون از قضا واقعه هائله نواب فردوس مکانی بابای بزرگوارم وقوع یافته ازین جهان فانی بسرای جاودانی رحلت فرمودند، و اکنون سر بر سلطنت و پادشاهی عرصه ایران که تختگاه پادشاهان رفیع الشأن اکسره و کیان است حسب الارث به ذات اشرف همایون ما مزین است پیشنهاد همت والا آنست که با احبا و دوستان زیاده از زمان نواب فردوس مکان شاه بابام طریقه الفت و وداد و دوستی مرعی داریم و با کافه عباد الله هر طبقه بوده باشند بنوعی سلوک فرمائیم که پسندیده در گاه باشد و با عموم عیسویان بتفصیل مردم ایشان، تا غایت هر کس بدینصوب آمده و می آید حکام گرام و منسوبان در گاه حسب فرمان همایون بنوعی در ترفیه حال ایشان کوشیده و میکوشند که همگی راضی و خشنود آمد شد مینمایند و انشاء الله تعالی بعدالیوم نیز با حضرت پادشاه و الاجاه فرمانفرمای- الندیس و منسوبان ایشان زیاده از زمان نواب جنت آرامگاه شاه بابام طریقه خصوصیت و دوستی مرعی میداریم و در رفاهیت احوال سودا گران ایشان کمال توجه فرموده نوعی نخواهد شد که یکسر هر آسیب از هیچ رهگذر بایشان رسد؛ خاطر از آن ممر جمع دارند. طریق محبت آنکه ایشان نیز همواره این شیوه مرعی داشته در لوازم دوستی تقصیر نمایند و در امنیت راه و دفع و رفع قاطعان طریق بنادر آنچه مقدور باشد سعی نموده چنان نمایند که مترددین آنصوب با کشتیها و سفاین مملو از اسباب بیخوف و خطر بقلمرو همیون آمد شد مینموده باشند و همیشه ابواب مراسلات مفتوح داشته هر گونه کاری درینولایت داشته باشند از روی یگانگی اعلام نمایند که بحصول موصول گردد. چون غرض اظهار مراتب دوستی بود زیاده نرفت. عاقبت امور جمهور ایشان موافق رضاء حضرت قادر ذوالجلال جل جلاله بخیز و خوبی مقرون باد.» (پشت نامه مهور بمهر شاه صفی است).

هویر و یسنیش نماینده شرکت بازرگانی اصفهان در موقع مراجعت به

هلند در ترکیه بقتل رسید و بجای او نماینده دیگری بنام آنتونیو دل کورت<sup>۱۰</sup> در تاریخ دسامبر ۱۶۳۰ م. (۱۰۴۰ هـ) انتخاب گردید. مأموریت او با وجود جوانی پادشاه ایران و وارد نبودن وی در امور مملکتی موفقیت آمیزتر از نماینده قبلی بود، زیرا در اندک مدتی موفق شد قرارداد مورخ ۱۶۲۳ را تجدید نماید. تجدید این قرارداد اوضاع بازرگانی هلندیها را در ایران مستحکمتر و تثبیت کرد و هلندیها از این پس توانستند با آزادی بیشتری بکسب و کار خود بپردازند ولی در مقابل نتوانستند از حقوق و عوارض گمرکی معافیتی کسب نمایند.

در خلال این مدت یوهان فان هاسلت<sup>۱۱</sup> هلندی که از طرف پادشاه ایران به این کشور عزیمت کرده بود برای انعقاد قراردادی مبنی بر تسهیل امر داد و ستد اتباع ایرانی در هلند با مجلس طبقاتی وارد مذاکره شده بود و سرانجام موفق گردید در تاریخ ۷ فوریه ۱۶۳۱ م. (۱۰۴۱ هـ) معاهدهای بمضمون ذیل امضاء نماید:

۱- مجلس عالی ونیرومند طبقاتی ایالات متحده رضایت میدهد که اتباع ایرانی میتوانند بنام نامی شاه و با عنوان خصوصی بدون گذرنامه و اجازه نامه بهر نقطه و شهری از ایالات متحده و پیاممالک تابعه آن که مایل باشند آزادانه و بدون دغدغه خاطر و بدون اینکه از طرف احدی به آنان مزاحمتی وارد آید، رفت و آمد کرده هر چه را که بخواهند، مانند اتباع هلندی، و برای امر بازرگانی خود لازم و ضروری تشخیص دهند، خرید و فروش نمایند.

۲- اتباع ایرانی در این کشور از هر گونه آزادی و حقوقی که مردم آن از آنها برخوردارند، میتوانند استفاده نمایند حتی از امتیازاتی که کارمندان عالیرتبه و پیاممورین دولتی بهره مند هستند. در صورتیکه ایرانیان بخواهند از آنها در امر بازرگانی خود استفاده نمایند، آزاد و مختارند.

10 — Antonio del Court.

11 — Yohan van Hasselt.

12 — Valentijn (E.). Description de la perse T. VII. p. 296-297.

۳- در صورتیکه اتباع ایرانی در مراکز بازرگانی خود کالاهائی بخرند و یا بفروشند می‌توانند مقیاس و اندازه و وزن متداول در کشور خویش را بکار برند، مگر اینکه مقدار کالا از حیث وزن زیاد نباشد که در این صورت موظفند اندازه و وزن معمول در کشور هلند را بکار برند. اتخاذ چنین تصمیمی برای این است که برای خریداران و فروشندگان محلی اشتباهی رخ ندهد.

۴- اگر تصادفاً یکی از اتباع ایرانی در خاک هلند بدرود زندگی گوید و شخصی نباشد که اموال مربوط به شاه و یا شخص متوفی را در اختیار بگیرد، در این صورت فرماندار شهری که در آنجا سکونت داشته است آن اموال را ضبط میکند تا زمانی که مأموری از طرف اعلیحضرت شاه ایران و یا یکی از خویشان و نزدیکان متوفی در محل حاضر شود که در این حال آن اموال بوی مسترد خواهد شد. در صورتیکه در بین اموال متوفی اجناس و کالاهای خوردنی و یا فاسد-شدنی باشد فرماندار و یا مأمور محل آن اجناس را بقیمت متداول فروخته پول

آنهارا بمأمور ایرانی تحویل خواهد دید. **کتابخانه مدرسه نجف قم**

۵- زمانی که بازرگانان ایرانی بتعداد زیاد و با مقدار معتنا بهی سرمایه وارد خاک هلند شوند، اولیای امور هلندی مسکن و محل اقامت مناسبی در اختیار آنان خواهند گذاشت، امکنه مزبور از هر گونه عوارض معاف خواهند بود، ضمناً تمام وسایل زندگی اعم از اثاثه و خواربار را نیز در اختیار بازرگانان خواهند گذاشت، نمایندگان و بازرگانان مأمور اعلیحضرت شاه از همین امتیازات برخوردار خواهند بود.

۶- خانه نماینده اعلیحضرت پادشاه ایران دارای همان امتیازاتی است که خانه‌های پادشاهان و شاهزادگان اروپائی متیم پایتخت مجلس کبیر طبقاتی دارند، و زمانی که اتباع ایرانی در این کشور برای خود با اعضای لازم و سرمایه کافی مرکزی تأسیس کردند، از همان حقوق و امتیازات و حق قضوتی که اتباع انگلیسی در شهر دلف ۱۲ و از اسکاتلندیها در شهر کومپن ویر ۱۴

دارند، بهره‌مند خواهند شد. دولت هلند و مجلس طبقاتی با پادشاه انگلیس و اسکاتلند از مدت‌ها پیش بموجب معاهداتی در ارتباط بازرگانی می‌باشند. اتباع ایرانی می‌توانند آزادانه با اجرای مراسم مذهبی خویش بپردازند و احدی حق ندارد آنان را مورد اذیت و آزار قرار دهد.

۷- اگر فردی از اتباع ایرانی تغییر مذهب داد مجلس طبقاتی در کار او دخالت نخواهد کرد. بهر صورت اموال این شخص از هر گونه آسیبی مصون است.

۸- محلی برای گورستان اتباع ایرانی معین می‌شود تا بتوانند در گذشتگان خود را طبق آداب و رسوم مذهبی خود بخاک بسپارند.

۹- اگر یکی از اتباع ایرانی نماینده پادشاه ایران را مورد اهانت قرار دهد و یا بقتل برساند دستگاه عدالت آن محل نماینده رسمی ایران را مساعدت مینماید تا او بتواند بهر طریقی که لازم بداند در مورد خاطی و یا قاتل قضاوت نماید.

این قرارداد در تاریخ ۷ فوریه ۱۶۳۱ م. (۱۰۴۱ هـ) در مجلس عالی ونیز و مند طبقاتی بتصویب رسید. چنانکه از مفاد معاهده مزبور مستفاد می‌شود سراسر آن بشفع دولت و ملت ایران بود و مجلس طبقاتی هلند حداکثر موافقت و حسن روابط و مناسبات دوستی را بین دولتین رعایت کرده است.

در جریان همین مدت بود که هلندیها در بندر عباس مستقر شده، برای خود دارالتجاره‌ای تأسیس کردند. در سال ۱۶۳۸ م. (۱۰۴۸ هـ) ادویه محصول ایران را تماماً در انحصار خود گرفتند.

کمی پس از این تاریخ یعنی در سال ۱۶۷۰ م. (۱۰۵۰ هـ) هلندیها مالک الرقاب خلیج فارس شده کشتیهای آنان آزادانه در آبهای خلیج در رفت و آمد شدند و تمام محصول و کالاهاییکه به بندر عباس وارد میشد با کشتیهای خود حمل می‌کردند.

هلندیها برای رقابت با انگلیسها امتعه خود را با قیمتی نازلتر از کشورهای



تولید کننده بفروش میرسانند. هلندیها با استفاده از نفوذ و قدرت خویش موفق شدند با پادشاه ایران معاهده جدیدی در زمینه قرارداد سال ۱۶۲۳، امضاء نمایند که مناد آن باینقرار است:

- ۱- آزادی رفت و آمد و خرید و فروش.
- ۲- معافیت از عوارض راهداری.
- ۳- معافیت از بازرسی کالاهای وارده و صادره باستثنای اجناس صادره ممنوعه.
- ۴- استفاده از امتیاسهای اندازه و وزنی که بتصدیق و تأیید اعلیحضرت شاه رسیده باشد.
- ۵- زمانیکه یکی از اتباع هلندی در گذشت اموال او در ضبط فرماندار محل درآمده سپس به هلندی دیگری که خود را معرفی میکند تحویل خواهد شد.
- ۶- دولت ایران جبران اموال اجناس مسروقه را خواهد کرد.
- ۷- هلندیها اجازه دارند تعداد لازم چهارپا و وسایل نقلیه تهیه نمایند و مأموران گمرک موظفند کاروانهای هلندیها را محافظت و همراهی نمایند.
- ۸- تأسیسات و دارالتجاره های هلند از هر گونه تعرضی مصون خواهد بود.
- ۹- اگر از اتباع هلند کسی بعنوان برده و زرخرید باشد هلندیها اجازه دارند آن شخص را خریداری کنند. هلندیها اجازه ندارد به آئین اسلام بگروند.
- ۱۰- اگر یک نفر هلندی یکی از مسلمانان را بقتل رسانید، قاتل بمأموران هلندی تسلیم خواهد شد؛ ولی در صورتیکه قتل اتفاق نیفتاده باشد فقط جرح باشد درین صورت مأموران دولت ایران بموضوع رسیدگی خواهند کرد.
- ۱۱- هلندیها حق دارند گورستانی در محله آرامنه برای خود در اختیار بگیرند.
- ۱۲- مساعدتهای لازم ب مترجمان و مستخدمین هلندیها اعم از ترک و ارمنی و مسلمان و بنگالی خواهد شد، و از خدمت و مأموریت آنان جلوگیری

بعمل نخواهد آمد. ولی هلندیها حق ندارند که مستخدمین و مأمورین خود را بدین مسیح درآورند.

۱۳ - در صورتیکه کشتی از هلندیها غرق شد اموال واجناسی که از آب گرفته میشود به آنان مسترد میشود.

۱۴ - هلندیها حق دارند هر گونه امتعه‌ای را که مایل باشند، به استثنای اسب، که در این صورت باید حقوق و عوارضی را که طبق ماده ۲ معین شده است بپردازند، خریداری نمایند و نیز موظفند عوارض راهداری را در مسافت میان لار و هرمز، با توافق والی شیراز، تأدیه نمایند.

۱۵ - اگر سفیری از هلند برای کسب امتیازات دیگری به ایران بیاید اعلیحضرت شاه، در صورتیکه تقاضاهای او موجه باشد، تقاضای او را مورد رسیدگی قرار داده انجام خواهند داد.

معاهده مزبور نتوانست مدت زمانی بقوت خود باقیمانده بمورد اجرا گذاشته شود، زیرا ایرانیها بزور و عنف از هلندیها مبالغ هنگفتی از بابت مالیات و عوارض امتعه تقاضا کردند، این موضوع از نامه‌ای که مجلس طبقاتی به پادشاه ایران نوشت مستفاد میشود.<sup>۱۵</sup>

«..... نیکلا کاپیتن مبالغ هنگفتی را از بابت راهداری که بزور از طرف اعتمادالدوله (صدراعظم) گرفته شده در حساب مدیر کل کمپانی ما منظور کرده است، در حالیکه این تقاضا برخلاف قراردادی است که طبق آن شاه عباس باما منعقد کرد، و اعلیحضرت آنرا مورد تأیید قرار دادید. معاهده مزبور ما را از تمام عوارض راهداری و گمرکی معاف کرده بود.

ما، آدام وسترولت<sup>۱۶</sup> را برای تحقیق در امر روانه ایران نمودیم. از آن اعلیحضرت عاجزانه تقاضا داریم که تمام امتیازاتی را که مورد تصویب

15 — Dunlop (H.). Hist. de la compagnie des Indes Orientales en Perse t. 72, p. 658.

16 — Adam Westerwolt.

قراردادیم، رعایت فرمائید و ضمناً استدعا داریم امر و دستور فرمایند که وجوهی را که بجز روغن و از بازرگانان هلندی گرفته شده، مسترد دارند.

«پیوسته در اطاعت و اجرای اوامر مطاع ملوکانه آماده بوده، حاضریم تمام نیروی دریائی خود را در هر مورد در اختیار شما بگذاریم...».

مجلس طبقاتی در تعقیب این عریضه نامه دیگری به این مضمون خطاب به صدر اعظم ارسال داشت: ۱۷

«مانمی توانیم تصور کنیم که چنین مبلغ خطیری از او (کاپیتن نیکلا) بر حسب دستور و فرمان اعلیحضرت شاه، گرفته شده است، زیرا فرامینی که بمهر اعلیحضرت مهور گردیده مقرر میدارد که تمام والیان و فرمانداران در سراسر خاک ایران حق ندارند مال التجاره های هلندیها را، از هر نوع وجنس و مقداری و در هر نقطه ای که در قلمرو حکومت او باشد، مورد بازرسی و بازجوئی قرار دهند و از آن مالیات و عوارض راهداری مطالبه نمایند.»

هلندیها که در این زمان با تمام قوا برای انحصار تجارت ابریشم ایران و طرد انگلیسیها از این کشور می کوشیدند این بار مقاصد خود را علناً به شاه اظهار کردند.

کارل کنستان<sup>۱۸</sup> مدیر جدید شرکت بازرگانی اصفهان چون روشننا- مساعد ایرانیان و عدم اجرای مفاد معاهده ای را که نیکلا اوورشی<sup>۱۹</sup>، سفیر هلند در زمان شاه صفی، با دولت ایران درباره خرید ابریشم با همان شرایطی که با سایر اروپائیان معامله میشد، مشاهده کرد، رسماً بدربار اصفهان

17 — Dunlop. t. 72 p: 660.

18 — Karel Constant.

۱۹ — نیکلا اوورشی (Nicolaes Overschie) در زمان شاه صفی معاهده ای با شاه صفی امضاء کرد که در آن مقرر شده بود که هلندیها میتوانند هر مقدار ابریشم که مایل باشند مقدم بر سایر ملت های دیگر خریداری نمایند، مشروط بر اینکه برای هر بار (کازبان) آن صد تومان بجای هفتاد تومانی که سابقاً برای هر کازبان می پرداختند، بپردازند. (Dunlop. p. 245)

اعتراض نمود ولی شاه صفوی (شاه عباس دوم) اعتراض سفیر را رد کرده از فروش ابریشم با آن شرایط جداً امتناع ورزید و ترجیح داد این معامله مهم که برای اقتصاد ایران جنبه حیاتی داشت بحال وقفه باقی بماند. هلندیها این بار پیشنهاد کردند که حاضرند در برابر خرید ابریشم که قیمت آن بالغ بر ۱۶۰۰۰۰۰ لیور میشد، ادویه تحویل دهند. ولی شاه پیشنهاد مزبور را رد کرده از مدیر شرکت خواست که در مقابل فروش ابریشم پول نقد داده شود. سفیر هم از قبول پیشنهاد شاه امتناع ورزیده مخفیانه بجانب گمبرون عزیمت کرد. شاهنشاه صفوی که از عمل سفیر خشمگین شده بود او را باصفهان مراجعت داد و وادارش ساخت که معاهده اوورشی را امضاء نماید. همین امر باعث اختلاف و کدورت میان دولتین شد. در نتیجه نیروی دریائی هلند به بهانه عدم اجرای معاهده از طرف دربار اصفهان به جزیره قشم حمله ور شده از هر گونه داد و ستد و آمد و رفت کشتیهای دیگر جلو گیری نمود.

شاه عباس دوم بواسطه فقدان نیروی دریائی از اقدام هلندیها نگران شد و از نیکلابلاک، فرمانده نیروی دریائی خواست تا به اصفهان آمده باوی وارد مذاکره شود. بلاک هم بلافاصله به اصفهان آمد و بحضور شاه رسید و قرارداد صلح به این شرط منعقد گردید که هلندیها در هر نقطه ایران هر مقدار ابریشم که خواسته باشند بخرند و بدون پرداخت عوارض و حقوق گمرکی آنرا صادر نمایند.

امتیازات مزبور نه تنها نفوذ و قدرت تجارتهای هلندیها را در خلیج فارس روزافزون کرد بلکه شکست فاحشی بر تجارت انگلیسها که در این اواخر در ایران و سواحل عربستان برقرار کرده بودند، وارد آورد.

هلندیها از پیشرفت و موفقیتی که در مسئله قشم و اجرای مقاصد خویش در ایران نصیب آنها شده بود، تشویق گردیدند و بلافاصله هشت فروند از کشتیهای جنگی خود را به بصره فرستادند و تجارتخانه انگلیسها را در آنجا

خراب کردند. در سال ۱۶۴۹ میلادی (۱۰۵۹ هجری) تسلط و نفوذ هلندیها در خلیج فارس همچنان روبازدیداد میرفت و تصور میشد که دولت بواسطهٔ بیمی که از ایشان پیدا کرده است امتیازات مهم دیگری نیز به آنان بدهد. در سال ۱۶۵۰ م. (۱۰۶۰ هـ) هلندیها پرتقالیها را هم ازمسقط بیرون کردند و این مسئله بیشتر بر نفوذ و قدرت آنان افزود. در همین سال یازده فروند از کشتیهای هلندی به بندرعباس آمد و مقدار هنگفتی مالالتجاره بدانجا وارد نمود. تاورنی یه (سیاح فرانسوی) که در سال ۱۶۵۲ م. (۱۰۶۲ هـ) در بندرعباس بود، است، از وسعت تجارت هلندیها در آنجا توصیف کرده میگوید:

« هلندیها معادل يك ميليون و نیم پوند در ایران کالا فروخته و باپول آن قیمت کیسه‌های ابریشم خریداری خود را پرداختند. در دو سال بعد نیز مجموعاً معادل دویست و بیست هزار لیره مالالتجاره به ایران وارد کردند و در نتیجه تجارت انگلیسها را در آنجا فلج کردند».<sup>۲۰</sup>

جنگ میان انگلیس و هلند در اروپا (۱۶۵۲-۱۰۶۲ هـ) بدولت ایران آزادی و فرصت داد تا انتقام خود را از هلندیها بگیرد. شرکت بازرگانی هلند موظف بود که محمولات خود را در انبارهای متعلق به شاه تخلیه کرده آنها را در مقابل اجناس ایرانی از قبیل پشم و قالی و ابریشم و پارچه‌های ابریشمی معاوضه نماید. این وضع برای هلندیها غیر قابل تحمل بود زیرا مقامات ایرانی پیوسته از قیمت اجناس هلندی کاسته بردهای اجناس متعلق به شاه می‌افزودند و ضمناً بجای اجناس مرغوب کالاهای معمولی و گاهی پست به آنان تحویل میدادند.<sup>۲۱</sup>

این روش ایرانیان، دولت هلند را مضطرب و نگران کرده برای جلوگیری یکی از مشاورین امور مربوط به هندوستان را بنام یوهان کونائین<sup>۲۲</sup> را در

۲۰- ویلسون (آرتور) خلیج فارس. ص ۱۸۹-۱۹۰ (ترجمه محمدسعیدی) ازانتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران ۱۳۴۸.

21 — Chardin. Voyages en Perse. t. I. p. 344.

22 — Yohan Cunaen.

سال ۱۶۵۲ م. (۱۰۶۳ هـ) با هدایای بیشماری برای شاه و صدراعظم به ایران فرستاد. سفیر مزبور پس از مذاکرات موفق شد معاهده‌ای باین مضمون که چندان نفعی برای شرکت بازرگانی هلند نداشت به امضای مقامات ایرانی برساند: « در معاهده مقرر شد که هلندیها میتوانند در هر سال معادل يك ملیون کالا معاف از تمام حقوق مالیاتی و عوارض از هر نقطه‌ای از کشور که مایل باشند خریداری نمایند، ولی اگر خواسته باشد بیش از این مقدار تهیه کنند باید کلیه حقوق مالیاتی و عوارض مقرر را بپردازند. و ضمناً هلندیها را متعهد می‌کرد که هر ساله از شاه ابریشم متعلق او را، هر کیسه بقیمت هزار و صد لیور (هر لیور معادل بیست و چهار تومان) معادل در حدود ششصد و پنجاه هزار لیور خریداری نمایند ». قرارداد بازرگانی که میان شاه ایران و شرکت هلندی منعقد گردید، موجب عدم رضایت و زیان شرکت را فراهم ساخت. زیرا ابریشمی که هلندیها تحویل می‌گرفتند ارزش آن در محل نصف قیمتی بود که پول آن پرداخت میشد؛ در صورتیکه ارزش کالاهائی که هلندیها به ایرانیان می‌فروختند، بیش از آن مبلغی بود که آن اجناس قیمت داشت.<sup>۲۳</sup>

شرکت در سال ۱۶۶۶ م. (۱۰۷۷ هـ) سفیر دیگری بنام لرس<sup>۲۴</sup> به اصفهان فرستاد. منظور و هدف از مأموریت او جلب نظر مساعد شاه نسبت به شرکت و تقاضای ادامه حسن نیت او و شکایت از بد رفتاریهای والی ایالت فارس نسبت به بازرگانان و نمایندگان و مباشران هلندی بود. هدایائی که لرس به شاه و بزرگان دربار تقدیم کرد در حدود ده هزار اکو ارزش داشت. سفیر هلند از طرف شاه بگرمی پذیرائی شد و پس از اقامت کوتاهی در دربار بدون دادن پیشنهاد و یا تقاضائی که متضمن منافع شرکت باشد، ایران را ترک گفت.

شاردن دربارهٔ مسافرت لرس چنین مینویسد: <sup>۲۵</sup> «شاه متوفی (عباس دوم)

23 — Chardin. t. I. p. 345.

24 — Lairesse.

25 — Chardin. t. I. p. 345.

که در آن زمان هنوز در قید حیات بود نمیتوانست تصور کند که شرکتی بازرگانی سفیری با هدایای بیشمار و گرانبها نزد او بفرستد، بدون اینکه نقشه و مقصود معین و مخصوصی داشته باشد. بساین مناسبت چندین بار از سفیر منظور و هدف سفارت و مأموریت خودش را استفسار نمود. ولی زمانی که فهمید مقصود او فقط ابلاغ مراتب احترامات و حق شناسی مدیران و زعمای شرکت بود، مصمم شد که اگر سفیر تقاضائی از او بکند بدون مضایقه انجام دهد، ولی متأسفانه سفیر نه شعور و نه جسارت آنرا داشت که از موقع استفاده کرده امتیازات زیادی برای اربابان خود بگیرد. بنابراین سفیر با عجله و با مهربانی و گرفتن هدایائی از قبیل لباس و پارچه و یک اسب و یک شمشیر از اصفهان روانه شد.

با اینکه هلندیها در این زمان در اروپا در جنگ با لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه بودند و از این بابت گرفتاریهای فراوانی داشتند، معذالک وضع و موقع آنان در ایران روز بروز روبه بهبود و استحکام میرفت و با شدت و سرسختی هر چه تمامتر با تمام رقبای خود مقابله کرده دست و پنجه نرم مینمودند. بطوریکه در اندک مدتی موفق شدند قدرت انگلیسها را در سراسر آنها و خاک ایران درهم بشکنند، ولی سیاست غلط و رفتار غیر انسانی آنان موجب شد که در اواخر قرن هفدهم میلادی اساس قدرت و نفوذشان رو بافول و انحطاط بگذارد.

در سال ۱۶۷۳ که هلند از طرف دریاهو خشکی مورد تعرض و تهاجم ارتش نیرومند لوئی چهاردهم قرار گرفته بود، فرصت پیدانکرد برای تقویت ناوگان خود در خلیج فارس قوای کمکی بفرستد. بنابراین بازرگانان هلندی از ترس اینکه مبادا رسیدن کمک بدرازا بکشد، تصمیم گرفتند خرید ابریشم را متوقف سازند. بنا بر این تصمیم خود را به استناد مفاد معاهده منعقد میان دولتین، که هلندیها میتوانند معامله ابریشم را متوقف سازند، با اطلاع دولت ایران رسانیدند. ولی اقدامات مقامات ایرانی آنانرا مجبور و وادار کرد که

بجای ۶۰۰ کیسه ۳۰۰ کیسه خریداری نمایند. چنین پیش‌آمدی وسیله‌شد که دولت ایران، که هنوز واقعه محاصره قشم را فراموش نکرده بود، بفکر انتقام از هلندیها بیفتد. لذا تصمیم گرفت از فروش ابریشم، درست در هنگامی که هلندیها که از رسیدن کمک به آنان مایوس شده در صدد برآمده بودند مجدداً بخرید ابریشم با همان شرایط مذکور در قرارداد مبادرت ورزند، خودداری کند. چون هیئت‌مدیره شرکت در باتاویا از تصمیم دولت ایران اطلاع یافت، سه کشتی جنگی بفرماندهی کازمبرود<sup>۲۶</sup> « برای اینکه ایرانیان را بسر عقل بیاورد» به آبهای خلیج فارس نرستاد (۱۶۸۳ - ۱۰۹۵ هـ). هلندیها با نیروئی مرکب از هشت فروند کشتی جنگی در ۱۴ اوت ۱۶۸۴ (۱۰۹۶ هـ) گمبرون و قلعه قشم را در محاصره گرفتند و سیزده کشتی ایرانی را توقیف کردند.

در خلال این مدت فان دن هسل<sup>۲۷</sup> و هربرت دويا گر<sup>۲۸</sup> مدیران شرکت در ایران برای حل مسئله از راه صلح به اصفهان آمدند. ولی شاه قبل از بیرون آمدن جزیره قشم از محاصره و آزاد شدن سیزده کشتی ایرانی، حاضر بملاقات با نمایندگان هلندی نشد. سرانجام هلندیها پس از یازده ماه اشغال قشم حاضر شدند تقاضاهای شاه ایران را بمورد اجرا بگذارند (۲۷ ژوئن ۱۶۸۵ - ۱۰۹۷ هـ). نتایج سوء و زیان‌آور جنگهای اروپا، هلندیها را عمیقاً گرفتار ضعف و سستی کرد، بطوریکه از این پس نتوانستند به اندازه کافی به ایران جنس بیاورند و منافعی که از این راه عایدشان میشد با منافعی که شاه از فروش ابریشم خود میبرد بایکدیگر قابل مقایسه نبود. ابریشمی که مقامات ایرانی به هلندیها میفروختند از حیث جنس با اندازه‌ای پست بود که آنرا بمصرف تهیه طناب برای افسار اسبان خود در باتاویا می‌رساندند.<sup>۲۹</sup>

26 — Cazembrood.

27 — Van den Hessel.

28 — Herbert de Yager.

29 — Sanson. Relation de l'Etat present du reyaame de Perse p. 158. Paris 1695.



در سال ۱۶۸۹ م. (۱۱۰۱ هـ.) سفیری دیگر بنام یوهان فان لی نِن ۳۰ از طرف مدیران شرکت باتاویا بمنظور جلوگیری از وقایع ناگوار و رفع سوء تفاهات بدربار شاه سلیمان آمد. ورود سفیر به اصفهان باشکوه هرچه تمامتر انجام پذیرفت. از طرف شاه بگرمی استقبال شد. لی نِن بوسیله پیش کشیها و هدایای فراوان به شاه و درباریان قصد داشت تخفیف کلی در قیمت ابریشم بگیرد.

نتیجه این سفارت را میتوان از نامه‌ای که شاه سلیمان به فرمانروای هلندی هندوستان در تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۶۹۱ م. (۱۱۰۳ هـ.) نوشت استنباط کرد: ۳۱

«... اعتبار نامه یوهان فان لی نِن سفیر خوش بیان شما که مأموریت داشت بدربار باشکوه و عالی مرتبه ما آمده و قرارداد منعقد بین دولتین را تجدید بنماید، باطلاع مارسید. فرمان دادیم تا طبق تقاضای او در قیمت ابریشم بهمان مقدار سال قبل که بوسیله بازرگانان هلندی خریداری شده بود، تخفیف کلی بدهند.

ضمناً مبلغ ۱۴۴۰۰ تومان و مبلغی دیگر از بابت مالیات و سایر حقوق و عوارض مقرر برای کالاهای صادره و وارده بعنوان هدیه بملت هلند بدهند. علاوه بر این فرمان دادیم که میاشران امور مالی سلطنتی از بازرگانان و سوداگران هلندی عوارضی و مالیاتی جز مبلغی معادل آنچه را که بعنوان هدیه داده شده است، از آنان دریافت دارند.

ما فرمان سابق خود را که احتیاج بتجدید داشت، تجدید کردیم و رضایت دادیم که اگر تقاضای دیگری غیر از آنچه که در قرارداد سابق مذکور است، دارند اظهار کنند تا آنرا تأیید و تصدیق نمائیم. سوء تفاهم جزئی در ترجمه متن فارسی نزدیک بود سبب بروز اختلافات مجددی بشود ولی دخالت و

30 — Yohan van Leenen.

31 — Valentijn (F.). Description de la Perse. t. VII, p. 257.

وساطت هربرت دوپاگر و لیکاگتون<sup>۳۲</sup>، مدیران شرکت در ایران رفع سوء تفاهم را کرد. مدیران مزبور در ضمن موفق شدند که معاهده دیگری در سال ۱۶۹۴م. (۱۱۰۶هـ) که مفاد آن رضایت خاطر هر دو حکومت را فراهم مینمود، بامضاء برسانند. در این قرارداد مقرر شده بود که هر سال شاهنشاهی ایران معادل سیصد کیسه بابهای کیسه چهل و چهار تومان به هلندیها بفروشد. بطوریکه سابقاً متذکر شدیم در اواخر قرن هفدهم میلادی قدرت و حیثیت اقتصادی هلندیها رو باضعلال وضع گذاشت و ناچار شدند از این پس میدان را برای رقبای خود یعنی انگلیسها، که با شدت و با تمام قوا در پیشرفت امور اقتصادی و تقویت نیروی دریائی خود در آبهای آسیا و اروپا پرداخته بودند، خالی بگذارند. نیروی دریائی انگلیس، که کشتیهای آن در سراسر آبهای روی زمین در حرکت بودند، بزودی گوی سبقت را از چنگ هلندیها ربود و با حسن سیاست در امور مستعمراتی، موفق شدند برتری و قدرت خود را در سراسر جهان محرز و تثبیت نمایند.

از این پس نفوذ سیاسی انگلیس در همه جا اقدامات و کوششهای هلندیها را که برای رهائی از این بار سنگین بکار میبردند، خنثی کرد.

نه تنها انگلیسها از ضعف هلندیها استفاده نمودند، بلکه ایرانیها نیز وضع را مقتضای شمرده در صدد برآمدند حد اکثر بهره را ببرند. در سال ۱۶۹۵م. (۱۱۰۷هـ) دولت ایران از فروش ابریشم به هلندیها، به بهانه اینکه محصول آن در ایران کمیاب شده است، امتناع ورزیدند. در صورتیکه در همان موقع مقدار زیادی از راه حلب به روسیه صادر کرده بودند. شرکت بازرگانی هلند متأثر و ناراحت از عمل دولت ایران سفیر دیگری بدربار شاه سلطان حسین، برای کسب اجازه معامله مجدد ابریشم، فرستادند (۱۷۰۰م. = ۱۱۱۲هـ). هوگ کامر<sup>۳۳</sup> سفیر جدید بمحض ورود به گمبرون از طرف رئیس گمرک این محل بتهدید قطع

32 — Lycagton.

33 — Hoogkamer.

روابط در صورتیکه شرکت حقوق گمرکی را در سالهایی که از خرید ابریشم امتناع و اجناس دیگری را وارد کرده‌اند، بدولت ایران نپردازد، مواجه گردید. هوگ کامر در پاسخ تهدید رئیس گمرک تصمیماتی باینقرار گرفت:

۱- پرداخت مالیات و عوارض گمرکی برای مبلغی معادل هزار و دویست تومان جنس، مشروط بر اینکه شاه اجازه دهد دویست کیسه از فرار هر کیسه چهل و چهار تومان در همان سال ابریشم صادر شود.

۲- رضایت میدهد که مالیات و عوارض گمرکی سالی را که هلندیها ابریشم صادر نکرده‌اند، بعنوان پیشکش به شاه بدهد.

۳- موافقت میکند که مبلغ سیصد تومان حق الزحمه فرمانی که از طرف شاه مبنی بر صدور اجازه صادر میشود، به صدر اعظم بپردازد.

در ۹ سپتامبر سال ۱۷۰۰ سفیر از طرف شرکت دستور گرفت به اصفهان عزیمت نماید. هوگ کامر در ۷ ژوئن ۱۷۰۱ به اصفهان رسید و بلافاصله بحضور شاه باریافت. منشی مخصوص شاه از طرف سفیر تقاضاهای او را باین قرار باستحضار رسانید: «احتراماً بعرض میرساند، چندین سال پیش قراردادی بین دولتین منعقد شده است که طبق آن دربار با اقتدار تعهد کرده است که در هر سال سیصد کیسه ابریشم بقرار هر کیسه‌ای چهل و چهار تومان بفروشد.»

با تمام این تفصیلات اجرای مفاد معاهده مدت زمانی بطول نیا انجامید زیرا پس از یکسال مجدداً دادوستد ابریشم متوقف ماند و کشتی‌های هلندی مجبور شدند دست‌خالی مراجعت نمایند. سفیر هلند تقاضاهایی بقرار ذیل از دولت ایران کرد: ۳۴

۱- از سر گرفتن فروش ابریشم از طرف دولت ایران و رعایت قرارداد منعقد در سابق.

- ۲ - مطالبه ۱۵۰۰ تومان بابت قیمت اجناسی که برای احتیاجات شاه به مأمورین دولتی گمبرون تحویل شده است.
- ۳ - تعدیل مالیاتها و حقوق و عوارض گمرکی که برخلاف مفاد معاهده از طرف اولیای امور دولت ایران در تمام بنادر خلیج فارس مطالبه میشود.
- ۴ - اجرای مواد مربوط به امور قضائی در باره اتباع و خدمتگزاران هلندی طبق قرارداد.
- ۵ - معافیت از پرداخت مالیات خدمتگزاران بنگالی که در خدمت هلندیها هستند (۱۶ نفر در گمبرون و ۱۶ نفر در اصفهان).
- شاهنشاه صفوی با تمام تقاضاهای سفیر هلند، به استثنای موضوع فروش ابریشم که دولت ایران آنرا بر خلاف مصالح و منافع خود میداند، موافقت کرد. ولی پس از مذاکرات طولانی، سرانجام با فروش ابریشم به این قرار رضایت داد:
- « دولت شاهنشاهی تعهد میکند که در هر سال معادل ۱۰۰ کیسه ابریشم بقرار هر کیسه چهل و چهار تومان، مشروط بر اینکه هر سال پیشکشی بدربار ایران فرستاده شود؛ بفروشد. ضمناً در معاهده مقرر گردید که اگر معامله ابریشم صورت نگرفت معذلتک پیشکشی معهود به دربار تسلیم گردد.»
- روابط و مناسبات بین دولتین ایران و هلند در همین زمینه ادامه داشت تا سال ۱۷۱۵ م. (۱۱۲۷ هـ) نماینده‌ای از ایران بنام محمدجعفر بیگ بادستورهای از طرف شاه برای اداره کردن امور شرکت در ایران به شهر باتاویا رسید. شرکت بازرگانی نیز تصمیم گرفت نماینده‌ای بنوبه خود باصفهان بفرستد. شخصی که برای این مأموریت انتخاب شد جان جوزوا کتلار ۳۵ یکی از اعضاء عالی‌رتبه کمپانی هلندی هند شرقی در هندوستان بود.
- کتلار در اوایل اکتبر ۱۷۱۶ م. (۱۱۲۸ هـ) با عده‌ای از اعضای کمپانی به گمبرون رسید. این هیئت مدتی در گمبرون منتظر ماند تا در ۵ آوریل

۱۷۱۷ عازم اصفهان گردید. هیئت در پایتخت با شکوه هر چه تمامتر استقبال کردید. «ورود او چنان باشکوه بود که گوئی سفیری از یکی از دربارهای اروپا رسیده است». در ۱۲ ژوئن کتار با اعضای هیئت بحضور شاه رسید و هدایای کمپانی را تقدیم داشت. چهار روز بعد کتار بمذاکرات پرداخت و او با اعتمادالدوله (صدر اعظم) فتحعلیخان داغستانی و سپس با مستوفی خاصه (وزیر دربار) وارد مباحثه شد، در این مذاکرات سفیر خواستار تجدید حقوق و امتیازاتی شد که هوگو کامر در شانزده سال قبل، دریافت داشته بود. ولی صدر اعظم پاسخ داد که اعتبار حقوق و امتیازات مذکور بپایان رسیده است. سپس بر سر موضوع مبالغ زیادی که پطرماکاره<sup>۳۶</sup> بازرگان هلندی در اصفهان، بشاه قرض داده بود، اشکالاتی پیش آمد. با وجود این در ۲۹ اوت، کتار موفق شد پنج فرمان بدست آورد که طبق آنها علاوه بر تعویض تمام امتیازات سابق به کمپانی، شرایط نا مساعدی را که محمد جعفر در باتاویا پیشنهاد کرده بود کان لم یکن محسوب میداشت. کتار اگر چه بمقصود اصلی خود رسیده بود ولی منظور دولت ایران مبنی بر کمک هلندیها برای حمله به اعراب مسقط بر آورده نشد. در این زمان اعراب بحرین را تصرف کرده و گمبرون در معرض خطر قرار گرفته بود. صدر اعظم، کتار را احضار کرد و از او خواست که دو کشتی جنگی برای پس گرفتن بحرین قوای نظامی ایران را یاری نماید، ولی سفیر با صراحت ولی مؤدبانه پاسخ داد که اجازه چنین اقدامی را ندارد.

کتار با وجود کشمکش بر سر مسئله کمک به ایرانها علیه اعراب مسقط ضعف و ناتوانی خود، در اواخر نوامبر با اعضای هیئت عازم گمبرون شد. ضمن سفر بآنجا خبر رسید که اعراب در جزیره هرمز پیاده شده بمحاصره قلعه پرداخته اند، و بیم این میرفت که به گمبرون حمله کنند. کتار با وجود بیماری بگمبرون رفت.

یکی از کشتیهای هلندی بنام هارینگ توین ۳۷ آماده شده بود که سفیر را به باتاویا برد؛ ولی بمجرد ورود او فرمانده پادگان ایرانی خواهان استفاده کشتی علیه اعراب شد ولی چون هلندیها باین تقاضا موافقت نکردند قوای ایران محل کار آنان را در محاصره گرفت و راه آذوقه و آب را بست. دو روز بعد کتلار دچار تب شدیدی شد و بعد از مدت کوتاهی درگذشت. وقتی خبر مرگ او شیوع یافت ایرانیها از محاصره هلندیها دست برداشتند و به آنها اجازه دادند که جنازه سفیر را در گورستان خارج از شهر بخاک بسپارند. به این ترتیب مأموریتی که کتلار بانهایت موفقیت انجام داده بود بطرز غم‌انگیزی پایان رسید.<sup>۳۸</sup>

در اواخر سلطنت خاندان صفوی روابط میان ایران و هلند چندان حسنه نبود و پیوسته در حال اختلاف و گاهی غیر دوستانه سر می‌کرد. این امر دوام یافت تا زمان بروز فتنه افغانه و سقوط دولت صفوی.

باهمه این تفصیل شاهنشاه ایران هیچگاه فراموش نمی‌کرد که مات هلند برای او ادویه فراهم می‌ساخت، و قسمت اعظم ابریشم ایران را به بهای خوب می‌خرید<sup>۳۹</sup>، و اگر زمانی حاضر نمی‌شد امتیازات زیادتری، بیش از آن

### 37 — Haringtuyn.

۳۸- انقراض سلسله صفویه . لاکهارت، ترجمه فارسی ص ۴۶۶-۴۷۱ .  
از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب . تهران ۱۳۴۴ .

۳۹- کالاهای وارده و صادره در ایران بوسیله هلندیها بقرار زیر بود :

۱ - صادرات از ایران : صادرات هلندیها از ایران تقریباً مثل صادرات انگلیسها در این کشور بود. دولت ایران متعهد بود که طبق قرارداد منعقد در ۱۷۰۱ هر سال صدلنگه ابریشم به آن کمپانی بفروشد (هرلنگه ۴۰۸ پوند هلندی وزن داشته باشد). ابریشمهای ایران بانواع مختلف بود و بهترین آنها در آن قرارداد بنام کدخدا پسند ذکر شده بود ، بعد ابریشم ناحیه لاهیجان و سپس نوع اردسه که از شیروان بدست می آمد . سایر صادرات هلندیها از ایران عبارت بود از : قالیهای پشمی و قالیچه های زربفت ، مخمل ، پشم بز ، عنبر ، آنقوزه ، مسکوکات، طلا و نقره ، شراب شیراز، پسته، بادام، روپی (گردوی مسقطی)، روناس وانواع نیل .

بقیه در صفحه بعد

مقدار که به سایر ملتها میداد باو بدهد، باین مناسبت بود که نمیخواست به اقتصاد کشور خویش و آنهم در زمانی که کشور از هر طرف دستخوش آشوب و فتنه شده بود، لطمه وارد آید. معذالك بسیاری از اوقات اتفاق افتاد که دربار اصفهان امتیازات و اختیاراتی استثنائی به هلندیها میداد. برای اثبات این موضوع از گاردان ۴۰ کنسول فرانسه در اصفهان که خود شاهد عینی بوده است، بشنوید. وی در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۷۲۱ م. (۱۱۲۴ هـ) چنین نوشت: ۴۱

در تاریخ ۲۰ اوت چهار فرمان از طرف پادشاه ایران خطاب به رئیس گمرک بندر عباس برای اتباع چهار دولت اروپائی فرستاده شد.

« در فرمان چهارمی فرمان داده بود که هلندیها همان عوارض و مالیاتی را که انگلیسها می بردازند، بدهند؛ ولی بموجب دستور محرمانه دیگری بعنوان رئیس گمرک امتیاز بیشتری برای هلندیها قائل شده بوی دستور داده بود که هیچگاه هلندیها را برای پرداخت حقوق و عوارض گمرکی تحت فشار قرار نداده به آنان هر مدت که بخواهند مهلت بدهد. . . . »

با تسلط افغانه وضع هلندیها در ایران رو بوخامت گذاشت. خانهها و مراکز بازرگانی آنان بباد غارت رفت و خراب شد، اتباع هلندی از طرف دهاجمین تعقیب شده بقتل رسیدند، کار بجائی رسید که جمعی که از زجر و کشته شدن رهائی می یافتند، بسرعت راه خود را می گرفتند و فرار اختیار

بقیه از صفحه قبل

۲- واردات ایران: این واردات شامل پارچههای مختلف، حریر، عاج، روی، انواع عطر، فلفل، هل، شکر . . .

عطر و ادویه در ایران خریدار بسیار داشت و هلندیها فروشنده عمده آن بودند.

۳- هلندیها هم مثل انگلیسها نه تنها از حمل مسافر بلکه از حمل و نقل امتعه بازرگانان ایرانی و ارمنی و هندی میان ایران و هندوستان استفاده میکردند. (لاکهارت، انقراض سلسله صفویه، ترجمه فارسی، ص ۴۴۹-۴۵۰).

40 — Gardanne.

41 — Arch. des Affaires étrangères de Paris. (Perse No. 1 fol. 56.).

میکردند. با این ترتیب میدان را برای حریف و رقیب سرسخت، خود یعنی انگلیسها خالی گذاشتند. کار رقابت هلندیها با سایر ملل اروپائی در ایران در اواخر دوران صفوی بجائی کشید که طرفین برای خنثی کردن عملیات یکدیگر به اقداماتی از قبیل جاسوسی و اقدامات مجرمانه و حتی از میان بردن رقیب از راههای غیر انسانی مانند زهر دادن و کشتن دست زدند. این جانب به سه فقره از این اسناد در آرشیو لاهه در هلند دست یافتم که عین آنها را ذیلا متذکر میشود. ۴۲

سواد مکتوب کسور داس هندو که از بندر عباس بمهر مکاره کپیتان سابق اصفهان نوشته و در روز نوزدهم ماه جمادی الاول به کپیتان مزبور رسیده بود سنه ۱۱۲۶ (۱۲ ژوئن ۱۷۱۴) :

« عمدة المسيحية والعيسوية نظام الدوله والمكرمه والخلد والصدقه والعزة المعالي آقامكاره كپيتان سابق سركار ولنديس (هلند) دام دولته .  
 «مخلص حقيقي كسور داس ملئائى بعد از وظائف دعا گوئى و مراسم اخلاصمندی مشهور رأى دولت آرا ، خدام والامقام ذوى العز والاحترام مسيحيت و رفعت و معالي عطوفت و مكرمت و عزت دستگاه محبت و مودت انتباه محبان و مخلصان آندر گاه ستوده و بر گزيده كردارى منبع الجود والاحسان مستغنى الالتابى ميدارد، حقا كه شب و روز بدعا گوئى مشغول است . در باب چند طغرا كتابت كه باسم كپيتان چهار سركار ولنديس فرستاده بودند رسيد و قلمى فرموده بودند كه محب اخلاصمند آنها را برساند . بر رأى دولت آرا مخفى نماند كه كمترين سه طغرا كتابت بنجوى كه مصلحت دانست و كس مطلع نشد باستادى تمام رسانيده نهايت فرصت جواب گرفتن نميشود، خود ميداند كه روز گاراست، حكايث پوشيده شدن خيلى كاراست، نهايت آنصاحب درين باب خاطر بكلى جمع فرمايند كه انشاء الله بعد از مطالعه نمودن آنها خود جواب بايشان خواهند فرستاد و علاوه بر نوشتجات بندر سورت كه  
 ۴۲- آرشیو لاهه (كولونىال آرشیو) شماره ۸۳۰۴ (۱۲ ژوئن ۱۷۱۴) .



فرستاده بودند که باید بسورت فرستد هم در آن خاطر جمع باشند که آنچه از دست محب برمیآید کوتاهی نخواهد کرد، نهایت چنین شده است که هر کس در بندر کاغذی میدهد می پرسند که این از چه کسی است و از کجا آمده، و بلکه قبض از آن کس میگیرند اما خاطر خود را جمع فرمایند که بنده در سعی است و مشخص است که هر کس خدمتی میکند برای خود میکند ان شاء (الله) اطوار خدمتگذاری خود بخدمت ایشان ظاهر خواهد شد که چگونه خدمت بجا آورده قسمتی دیگر بخاطر شریف نرسانند که ان شاء (الله) کارها بنحوی که خود خواهش فرموده این همچنان خواهد شد. بنده نیز از خدا میخواهد که ایشان بر حسب المدعای خود توفیق یابند و ان شاء (الله) که خواهد شد. بنده خدمتگاری از ایشان خدمتی که فیصل تواند ساخت خود را معاف نمیدارد و ملازمان نظر توجه در بیخ ازین محبت خود نفرمایند و پیوسته مرجوعات بین الامثال والاقران سرافراز گردانند. «

دو فقره نامه که مربوط به مسموم کردن مأموران هلندی است :

« حاجی محمد شاطر دارابی نقل کرد که در آن ایام که فرنگسیس دیلماج در خانه عالیجاه دیوان بگی محبوس بود و موسی مکاره کپیتان سرکار در باغ میرزا احمد قمار باز بود من نو کر او بودم. روزی با سب او سوار شده بطرف میدان شاه رفته بودم شخصی آمد که فرنگسیس تو را میخواهد و بسیار خواهش دارد که ترا به بیند. بعد از آنکه من بخانه دیوان بگی رفتم فرنگسیس مرا بوعده و مهر بانی گرفته گشت که اگر آنچه من میگویم چنان کنی هر مطلب که تو داری میسازم آخر من گفتم که توجه میگوئی گفت میخواهم که چیزی بتو بدهم که در میان آبریزی و در رخت خواب کپیتان یا رخت پوشیدنی او و رختهای دفتر دار و رختهای اطفال کوچک کپیتان بریزی. من در جواب گفتم

که اگر عالم را بمن میدهی که من این کار را نمیکنم. فرنگیس گفت این را بمن، و اگر ضرور شود قسم میخورم، در وقتی که حاجی محمد این را گفت نوکر (.....) بود.»

نامه دوم:

«من که یادگار ارمنی ام میگویم که در وقتی که من دربندر بودم معلوم من شد که مبلغ کلی پول میخواهند بکالوس بدهند که موسی مکاره را زهر بدهند و بکشند، و بعد از آنکه از بندر باصفهان آدمم و در ماه شوال سنه ۱۱۲۵ فرنگیس دیلماج کالوس را بخانه سرکار برده نگاه داشت من حاضر بودم که کلمه چی مزبور در حضور موسی بان اوس کپیتان سرکار و وزیر و ناظر که هر دو فارسی میفهمند و در حضور او کم دارتون و اونوس بکالوس دعوا کرد که من مبلغ کلی بتو پول داده بودم که زهر بموسی مکاره بخورانی هرگاه تو این کار را نکردی پول مرا پس بده من این را شنیدم و اگر ضرور شود در دیوان قسم میخورم.»

از دستوری که کمپانی هند شرقی انگلیس به نماینده خود (برنگوین) ۴۳ در سال ۱۶۹۵ م. (۱۱۰۷ ه) میدهد، نیز این اختلاف بخوبی مشاهده میشود: درباره قاصدان و مستخدمین کمپانی هلندی هند شرقی اخطار دیگری شده بود: «لطفاً بقاصدان و مستخدمان هلندی هیچ نامه ای ندهید و با آنها کمتر سروکار داشته باشید؛ زیرا گران تمام میشود هر قدر که ظاهر آبا شما اظهار دوستی کنند در باطن از دشمنان سرسخت ما هستند.» ۴۴

موضوع رقابت هلندیها با انگلیسها و سایر ملل اروپائی در شرق بخصوص

در ایران معلول عللی بود که ذکر آن از حوصله این مقاله خارج و احتیاج بشرح و بسط بیشتری دارد.

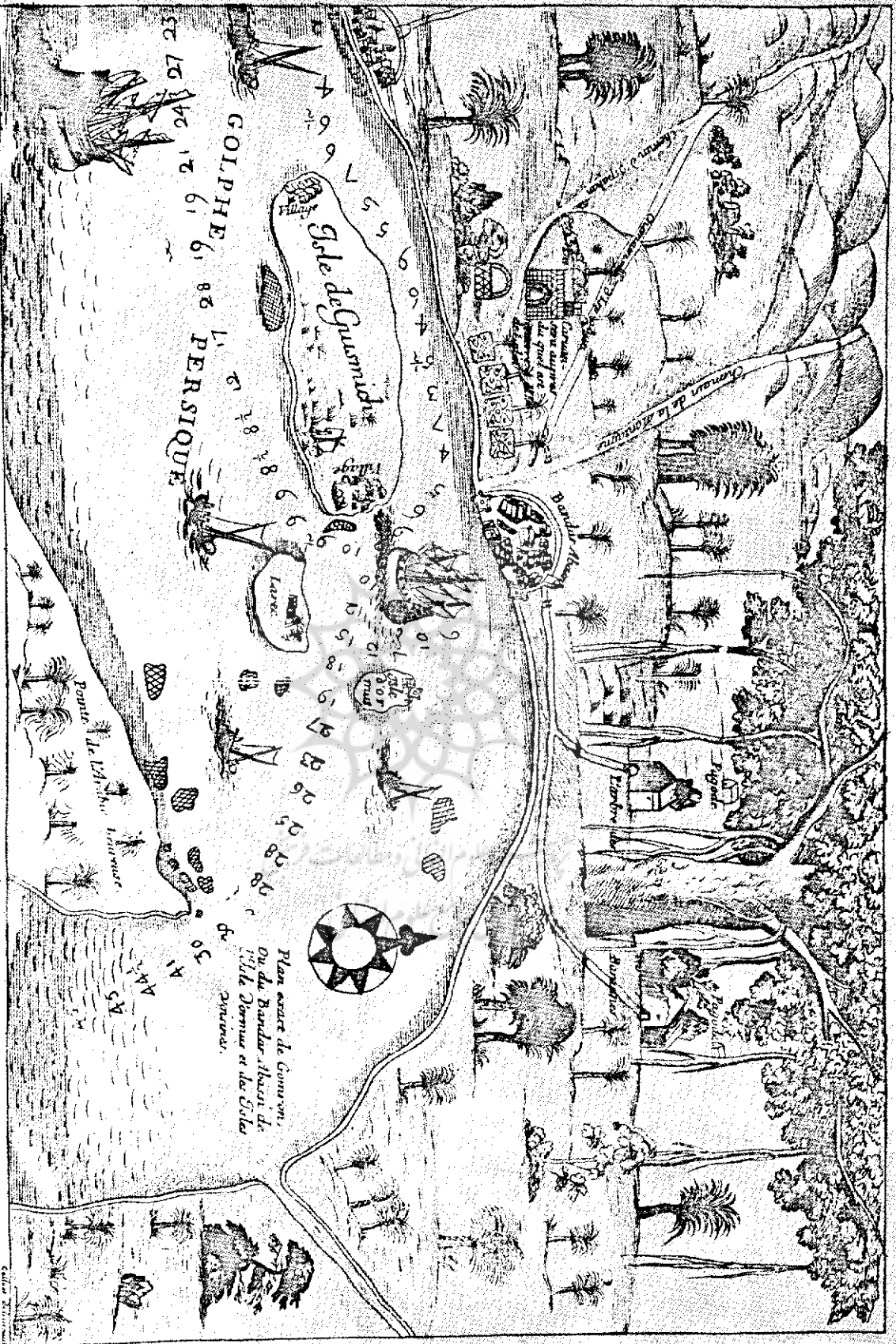
اماعل عمده پیشرفت و توسعه روز افزون هلندیها در امر تجارت در شرق و در ایران را سرآرنولد ویلسن در کتاب خلیج فارس باین قرار متذکر میشود: ۴۰  
دلیل عمده پیشرفت اقدامات تجارتنی هلندیها و فتوحات ایشان در هند شرقی آن بود که مؤسسات انگلیسی و پرتغالی در آن صفحات بدون مدافع و نگاهبان بود، بعلاوه کمپانی هند شرقی هلند سرمایه هنگفت و کشتیهای متعدد در اختیار داشت؛ و دولت نیز در کارهای آن مداخله کرده هر گونه کمک و مساعدت لازم را درباره آن بعمل میآورد، در صورتیکه دولت انگلیس سیاست ثابتی را تعقیب نمیکرد و مکرر حقوق و امتیازات کمپانی هند شرقی لندن را پایمال مینمود و مانع پیشرفت و توسعه اقدامات تجارتنی آنها میگردید.

تفوق و سیادت هلندیها در مشرق معلول آزادی مطلق بود که در مملکت خود تحصیل کرده بودند. در ربع اول قرن هفدهم قدرت و نفوذ انگلیس کمتر از هلند نبود ولی دولت و ملت انگلیس نمیخواستند در راه تجارت شرق فداکاری زیادی کرده باشند، در صورتیکه هم مردم هلند هم حکومت آنان از بذل هیچگونه فداکاری و مجاهدت فروگذار نمیکردند. هلندیها زمانی که وارد عرصه مبارزه شدند اطلاعات دقیقی راجع به تجارت مشرق فراهم کرده بودند، و وطن پرستان آن کشور در سراسر ایالات متحده مبالغ گزافی برای پیشرفت مقاصد کمپانی پرداختند و بعلاوه دولت و ملت مصمم شده بودند که جزایر ادویه را بتصرف خویش در آورده دست اقوام و ملل دیگر را از آن جزایر کوتاه نمایند. امسا انگلیسها فقط سرمایه کمی برای این منظور اختصاص دادند و آنرا هم بمبالغ جزئی تقسیم کرده در راههای مختلف بکار میانداختند. سیاست دولت هم در آن موقع دائماً در تغییر و تبدیل بود و مساعدتی با کمپانی نمیشد. شرکت هلندی تقریباً یک مؤسسه ملی بود ولی کمپانی انگلیس یک مؤسسه خصوصی و شخصی

بشمار میرفت، و بهمین سبب استقامت و بردباری انگلیس در آسپاد برابر قوای متحدۀ هلند نمیتوانست کاری از پیش برد. زیرا قدرت و نیروی دو حریف بهیچوجه بایکدیگر توازن نداشت.

چنین بود سرنوشت ملتی در ایران که سالهای متمادی با قدرت‌مالی و نیروی دریائی و پشت کار خود سراسر جهان آن زمان را در زیر سلطه و اقتدار خویش در آورده، و پیوسته مورد حسادت رقبای سرسخت خود قرار گرفته بود.





سفر نامه شمس التواریخ



*Costumes des habitants d'Ormuz.*

blés en une tresse, à laquelle elles en ajoutent encore d'autres, pour en faire une longue queue enfermée dans un étui de velours ou de satin en broderie qui leur pend par derrière au-dessous de la ceinture. Celles qui sont riches se parent de quantité de bijoux, et j'ai dit ailleurs quel est l'ornement des femmes dans les royaumes de Lar et d'Ormuz.

On voit en Perse quantité de belles femmes, tant de basanées que de blanches. Car comme on en amène des unes et des autres de tous les côtés, ceux qui en sont les marchands les choisissent les plus belles qu'il leur est possible. Les blanches viennent de Pologne, de Moscovie, de Circassie, de Mengrèlie, de Géorgie et des frontières de la Grande Tartarie. Les basanées sortent des terres du Grand Mogol et de celles du roi



این کتاب در بیان کلیات و جزئیات  
 طب و جراحی و کتب معتبره  
 من که باید کار از شیام میگویم که در دفتر که من در بندر بودم  
 که به سبب کمال میخوانند بجا اوس بنده که موی معارف در انبر  
 و بعد از آنکه از بندر باصفی است آمد در ماه اول ۱۲۵۸ هجری قمری  
 بخانه سرکار برده نگاه داشت مضافاً باینکه کلامی در فرزند در حضور  
 اوس کمال کرد و در زیر دناظر که هر دو فارسی میفهمند و در حضور  
 و او اوس بجا اوس بجا که در کتب معنی کمال بود و داده بودم که زیر  
 بجز از انجا که گاه توان کار را کند در اول مراد این همه  
 بر این زمینند و اگر فردی در در اول این قسم





بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

صاحبی محترم شایسته دارالافتاء که در این ایام که گنجشک و بلبل در خفا  
مجلسی بود هم معصومه گشت که در نایب میرزا ابراهیم قزوینی بیار خود را که در  
روز بی بار و بار شد و بجز این سیرت از آن وقت بودم ای که در آن  
و بسیار خوش بود که سزا به بند بود که سزا به بند بود که سزا به بند  
بوعد و در زمانه که گرفت و اگر آنچه می گویم چنان که مطرب است ای  
افزونی هم در تو بود که کفر می گویم که جبری بودیم که در این روزی  
عزیز کتیبان یا خرد گشتید نا او در رفتن ای قدر در روزهای  
گشتن از روزی در عبادت که که گشتن را بر سر که گشتن را بر سر که گشتن را  
با داکتر در تقسیم خوش در مجرای عیون که گشتن را بر سر که گشتن را



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی